

خواب عجیب



در جریان یکی از پرونده‌های قتل، اولیای دم، تصمیم به بخشش قاتل گرفته بودند، اما هنوز رضایت‌نامه را امضا نکرده بودند. در این شرایط مادر مقتول از رضایت منصرف شد و گفت که می‌خواهد حکم را اجرا کند، اما چند شب بعد خواب عجیبی دید؛ طوری که فردی آن روز به دادسرا رفت و رضایت‌نامه را امضا کرد.

قاتلم را ببخشید



جوانی چند روز پیش از قصاص قاتلش به خواب خاله‌اش رفت. او به خاله‌اش گفت به مادرم بگویید من اینجا با بزرگان فامیل مشورت کردم و به این نتیجه رسیدم که باید رضایت بدهیم. از مادرم بخواهید بدون هیچ قید و شش‌شرطی قاتل را ببخشید. به این ترتیب قاتل بخشیده شد.

بخشش و قربانی کردن گوسفند



مردی که در یک پرونده قتل ولی دم بود می‌گوید: زمانی که به ما اعلام شد تاریخ اجرا مشخص شده ما می‌خواستیم قاتل را قصاص کنیم، اما ناگهان با یک خواب همه‌چیز تغییر کرد، شب بعد قربان نزد یک سحر خواب پدرم را دیدم. او در حال قربانی کردن گوسفندی بود و حالش خیلی خوب بود. به من نگاه کرد و گفت پسرم قاتل مرا ببخش.

بخشش و کمک به یتیمان



دختر جوانی که از خون قاتل پدرش گذشته درباره این بخشش عجیب می‌گوید: من و برادرم همیشه برای اجرای حکم قصاص عجله داشتیم و می‌خواستیم قاتل پدرمان اعدام شود ولی چند روز قبل از اعدام شخصی را در خواب دیدم که گفت پول در به از قاتلس بگیرد و به یتیمان ببخشید. ما هم قاتل را ببخشیدیم.



دیدن خواب امام رضا



الهام پورد هقان فرشاه، چند سالی است که مسئول اجرای احکام دادگستری بندر عباس است هر چند او و همکارانش مسئول اجرای احکام هستند اما سال گذشته به دلیل تلاش‌هایش برای ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های قتل به بانوی صلح معروف شد. او و همکارانش در ایجاد سازش در دهها پرونده قتل نقش مستقیم دارند و همیشه تا لحظه آخر برای بخشیده شدن محکومان تلاش می‌کنند.

او درباره عجیب‌ترین بخشش می‌گوید: در یک پرونده قتل تنها ولی دم مادر سالخورده مقتول بود. او برای اجرای حکم قصاص قاتل اصرار داشت. زندانی آخرین ملاقات را انجام داد و به قرظینه منتقل شد. قرار بود صبح روز بعد حکم قصاص اجرا شود. با مادر مقتول تماس گرفتم و به خانه‌اش رفتم. آن شب من و یکی از همکارانم به جایی که مادر مقتول بود رفتم. می‌دانستیم که برای رضایت گرفتن رفته‌ایم. آن شب ما تا حدود ساعت ۱۰ بامداد با او صحبت کردیم اما راضی نشد و گفت چند ساعت بعد برای اجرای حکم به زندان می‌آید. پورد هقان درباره زمان اجرای حکم می‌گوید: چند ساعت بعد وقتی سه زندان رفتیم مطمئن بودم که او آمده تا حکم را اجرا کند و از خواسته‌اش کوتاه نمی‌آید. همکارانم همه مقدمات را آماده کردند اما وقتی زن آمد گفت دیشب خواب امام رضا را دیده که می‌فرزندش (رضاع) را دیده که می‌فرزندش را امضا کند و قاتل را ببخشید. این یکی از عجیب‌ترین پرونده‌ها بود که ما تا لحظه آخر دیگر امیدی برای بخشش نداشتیم اما با عنایت امام رضا (علی‌ه‌س‌الطین) دل این مادر آرام شد و قاتل فرزندش را بخشید.

پسرم گفت ببخش

تعداد پرونده‌هایی که در آن قاتل به دلیل یک خواب از مجازات نجات پیدا کرده یکی، دو تا نیست. مدتی قبل جوانی ۳۲ساله در جریان یک نزاع با ضربات چاقو به قتل رسید. اما مادرش به خاطر خوابی که دیده بود، قاتل را ببخشید. ماجرا از این قرار بود که این جوان وقتی برای وساطت میان پدرزنش با همسایه‌ها که با هم درگیر شده بودند به محل رسید، بار دیگر درگیری شروع شد، اما بدون آنکه او در ماجرا دخالتی داشته باشد به قتل رسید. هر چند قاتل فرار کرده بود، ولی مدتی بعد دستگیر و

وقتی مقتول در خواب قاتل را می‌بخشد

در خواب و رویا دیدن هر چیزی ممکن است حتی افرادی که فوت شده‌اند؛ مثل زنی که در خواب پسرش را که مدتی قبل به قتل رسیده بود دید و دیدن همین خواب کافی بود تا او قاتل را که عروسیش بود، ببخشد. روز حادثه مأموران یکی از کلاتری‌های اورامین در جریان مرگ مرد جوانی قرار گرفتند. او با ضربات چاقو به قتل رسیده بود و مرد مغازه‌داری شاهد این جنایت بود. او به مأموران گفت: ساعتی قبل داخل مغازه‌ام نشسته بودم که صدای مشاجره زن و مردی را شنیدم.

از حرف‌های‌شان فهمیدم که دعوی زن و شوهری است؛ برای همین درگیری نکرده، اما ناگهان مرد جوان خون‌آلود مقابل ویتترین مغازه‌ام افتاد و هم‌زمان زن جوان پا به فرار گذاشت.

این زن چند روز بعد خودش را تسلیم کرد و مدتی بعد محاکمه شد. او در اعترافاتش گفت: شوهرم من را به یاد کتک می‌گرفت و حتی با چاقو تهدید می‌کرد. من از او شکایت کردم و چند روز قبل از حادثه با هم به شورای حل اختلاف رفتم. به او گفتم من را طلاق بدهد، اما او گفت یکی از جوانان از مجازات قصاص نجات پیدا کرد.

اورا بخشیدم

یکی دیگر از پرونده‌هایی که با دیدن یک خواب، پایان خوشی داشت به درگیری مرگبار ۲ جوان در یک باشگاه بدنسازی بر می‌گردد. این ماجرا چندی قبیل در تهران اتفاق افتاد و در جریان آن ۲ جوان که در باشگاه کار می‌کردند با یکدیگر درگیر شدند و یکی از آنها جان خود را از دست داد. در جریان این درگیری مرگبار، جوانی که مسئول بوفه باشگاه بود بره‌ای به سر همکارش زد و موجب مرگش شد و به این ترتیب دستگیر و در دادگاه محاکمه شد. با وجود ابراز پشیمانی متهم از این درگیری، خانواده مقتول گفتند خواسته‌شان قصاص است و از آنجا که همه شواهد و مدارک علیه او بود، قضات دادگاه حکم به قصاص‌اش دادند. مدتی از صدور این حکم گذشته و پرونده برای تصمیم‌گیری نهایی به دیوان عالی کشور فرستاده شده بود تا اینکه اولیای دم به دادگاه رفتند و گفتند قاتل پسرشان را ببخشید.

در چنین شرایطی جوان خطرناک این بار برای رسیدگی به جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه شد. در این جلسه پدر مقتول گفت: مدتی بعد از قتل پسرم یک شب او به خواب آمد. خواب عجیبی بود. او گفت درگیری‌اش با متهم ناگهانی و از سر عصبانیت بوده و بهتر است او را ببخشیم. من هم وقتی از خواب بیدار شدم متوجه گفتم قاتل را ببخش، اما می‌خواستیم او مدتی در زندان بماند و بداند که خطای سنگینی که انجام داده چه تاوان سنگینی دارد. ما او را ببخشیدیم، اما او باید بداند که اگر بار دیگر مرتکب اشتباه بزرگی شود معلوم نیست باز هم بخشیده شود.

بخشش ۳۰ میلیاردی

قاضی محمد شهریار، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران سال‌هاست که نامش با پرونده‌های قتل گره خورده است. او سال‌ها باز پرس ویژه قتل بود و حالا سال‌هاست که سرپرست دادسراست. هر چند نام او با دستگیری جنایتکاران گره خورده اما او از سوی دیگر در صلح و سازش و بخشش در پرونده‌های قتل نیز نقش زیادی دارد و دهها پرونده قتل با پادرمیانی او و همکارانش به صلح و سازش منجر شده است. او هم خاطرات زیادی درباره بخشش در پرونده‌های قتل دارد. شهریار می‌گوید: اولیای دم رویکردهای مختلفی دارند. یادم می‌آید که اولیای دم پرونده‌ای آمدند و طابعانه گفتند که تقاضای اجرای حکم قاتل را داریم. من خیلی با آنها صحبت کردم و به آنها گفتم که اگر اجرا کنید نتیجه‌ای ندارد و شما می‌توانید پول در یافت کنید و با آن مؤسسه خیریه، مدرسه، ورزشگاه و... بسازید اما خیلی اصرار داشتند و گفتند ما خواهان اجرای حکم هستیم. پای چوبه دار هم که رفتم خیلی به آنها التماس کردیم و گفتم این زندانی تغییر کرده

و... اما فایده‌ای نداشت. حتی در فرستی که برای حرف زدن دو طرف در نظر گرفتم، قاتل می‌خواست صحبت کند که پدر مقتول گفت صحبت نکن و یک سیلی به صورتش زد. بعد از آن گفتم به شرطی حکم قصاص را اجرا می‌کنیم که سیلی‌ای که زدی باید جبران شود و شما اول باید درباره سیلی حاضر شوید و بعد قاتل را قصاص کنید. پدر مقتول قبول کرد و گفت حاضر می‌شوم اما قاتل گفت نمی‌توانم. چون من می‌خواهم قصاص شوم و چه سیلی بزنم چه نزنم برایم فرقی نمی‌کند. پدر مقتول طناب را گردن قاتل انداخت. گفت

پادرمیانی مقتول برای بخشش قاتل

دیدن یک خواب، سرنوشت بسیاری از پرونده‌های جنایی را تغییر داده است؛ مثل پرونده قتل دختری جوان توسط جوانی عاشق پیشه. این جنایت در منطقه نسیم‌شهر اتفاق افتاد. آن روز دختر و پسری جوان با یکدیگر درگیر شدند و پسر جوان با چاقو چند ضربه به دختر زد و سپس خودزنی کرد. بررسی‌ها نشان می‌داد دختر جوان پیش از حضور مأموران و اورژانس جان باخته، اما عامل جنایت هنوز زنده است.

او پس از درمان اولیه، تحت مراقبت مأموران و اورژانس جان باخته، اما عامل جنایت هنوز زنده است. او پس از درمان اولیه، تحت مراقبت مأموران و اورژانس جان باخته، اما عامل جنایت هنوز زنده است. او پس از درمان اولیه، تحت مراقبت مأموران و اورژانس جان باخته، اما عامل جنایت هنوز زنده است.

با اعترافات متهم، او به قصاص محکوم و این حکم قطعی شد. مرد جوان می‌دانست با قطعی شدن حکم قصاص، فاصله چندانی تا طناب دار ندارد به همین دلیل از خانواده‌اش خواست برای جلب آرامش رسیدیم.



شماشبیه مادرم هستی



«پسر مقتول آمده بود تا با پرداخت تضاض دیه به صورت اتفاقی من را در دادسرا دید از اجرای حکم منصرف شد.» مریم کارگر دستنچردی یکی از فعالان صلح از این مورد به‌عنوان یکی از عجیب‌ترین بخشش‌هایی که تا به حال برایش تلاش کرده یاد می‌کند. او که تاکنون در صلح و سازش حدود ۸۰ پرونده قتل حضور مستقیم داشته و باعث بخشش ۸۰ نفر شده درباره این بخشش عجیب و غریب می‌گوید: روزی برای پیگیری پرونده به دادسرا رفته بودم. کارم را انجام دادم و در راهرو بودم که ناگهان با مرد جوانی چشم در چشم شدم. او گفت مادرش چند سال قبل به قتل رسیده و حالا قرار است قاتلش که مرد جوانی است قصاص شود. چون مقتول زن و قاتل مرد بود او آمده بود تا قبل از اجرای حکم قصاص تضاض دیه قاتل را پرداخت کند تا حکم اجرا شود.

او گفت که دیدن من برایش یک نشانه است. گفت چند شب قبل خواب مادرش را دیده و در خواب درباره اجرای حکم با هم صحبت کرده‌اند. او گفت که بعد از دیدن خواب بلا تکلیف بوده و نمی‌دانسته که باید چه تصمیمی درباره قاتل بگیرد و به همین دلیل از مادرش خواسته که یک نشانه به او نشان دهد تا در این باره تصمیم بگیرد. او گفت من خیلی شبیه مادرش هستم و همین که مرا در دادسرا دیدن من خیلی شبیه مادرش بود. او گفت که بعد از دیدن خواب بلا تکلیف بوده و نمی‌دانسته که باید چه تصمیم گرفته که حکم قصاص را اجرا کند و قاتل را ببخشد. در پرونده‌های قتل زیادی میانجیگری کرده‌ام تا قاتل بخشیده شود. خیلی وقت‌ها موفق شدم و گاهی هم نتوانستم و حکم اجرا شد اما این مورد برایم یکی از عجیب‌ترین پرونده‌ها بود.

کدام میله را بکشم؟ میله اجرای حکم را گرفت و وقتی دید که حقتش در دستش است گفت اجرا نمی‌کنم و قاتل را ببخشید. گفتم چقدر پول می‌گیرید؟ گفت هیچ. گفتم پس چرا اینقدر اصرار داشتی؟ گفت: چند هدف داشتم. اول اینکه قاتل تا آخر خط برود و طعم مرگ را بچشد که دیگر خلاف نکند. دوم اینکه می‌خواستیم ببینیم سیستم قضایی چقدر حق ما را می‌دهد.

قاضی شهریار می‌گوید: موردی هم داشتم که اولیای دم در خواست در یافت ۳۰ میلیارد تومان دیه کرده بودند که این مورد را اعلام نکرده بودیم و برای نخستین مرتبه به شما می‌گویم که چون خانواده قاتل وضعیت مالی خوبی داشتند این مبلغ پرداخت شد و قاتل از قصاص نجات پیدا کرد. و این یکی از عجیب‌ترین پرونده‌های بخشش بود.

شهریاری ادامه می‌دهد: صحبت کردن و مواضع اولیای دم خیلی مهم است. یک بار مردی افغان آمد و گفت پسرم مرتکب قتل شده است. اولیای دم را خبر کنید که من با آنها صحبت کنم. اولیای دم مادری همراه با فرزندش بودند. با آنها صحبت کردم و گفتم که شما هموطن هستید. ببخشید. پدر قاتل گفت من ۱۰۰ میلیون تومان بیشتر ندارم. با اولیای دم صحبت کردم و با کمک‌هایی که از خیران گرفتم در همان جلسه بعد از چند ساعت صحبت موفق شدیم. صورت جلسه صلح و سازش را تنظیم کردیم و پرونده با ۱۰۰ میلیون تومان به صلح منجر شد.

